

وضعیت فعلی مقاله‌نویسی و نظام ارزیابی دانشگاهی مانعی جدی برای توسعه علمی کشور خواهد بود.

دانشگاه‌ها در دنیای امروز سه نقش عمده در جوامع ایفا می‌کنند: توسعه علوم در جامعه از طریق آموزش، و نشر و ترویج آنها؛ گسترش مرزهای دانش (تولید علم) و کمک به فرآیند تبدیل علم به فناوری. تولید علم عموماً به صورت انتشار مقالات در مجلات علمی نمود می‌یابد؛ چاپ مقالات در مجلات علمی می‌تواند معیاری از تولید علم تلقی شود.

به علت وسعت شاخه‌های مختلف علوم و همچنین به علت بُعد سودآوری انتشار مجلات علمی برای بنگاه‌های انتشاراتی آن (به طور متوسط سه تا پنج هزار یورو برای هر مقاله)، تعداد مجلات تخصصی در شاخه‌های مختلف بسیار زیاد شده است؛ تعداد مجلات علمی در حال حاضر حدود 28000 عنوان با نرخ رشد 3-4 درصد در سال و تعداد مقاله علمی چاپ شده در آنها به حدود دو میلیون در سال بالغ می‌شود. بنا به مطالعات مختلفی که انجام شده از این تعداد مقاله حداکثر نیمی از آنها توسط شخصی غیر از نویسندگان، داور مجله و یا هیات تحریریه مجله خوانده می‌شوند و حدود 90٪ مقالات هیچ‌گاه در مقاله دیگر مورد ارجاع قرار نمی‌گیرد.

در ایران نیز بنا به آمار و منابع قابل اعتنا و موثق علم‌سنجی، نظام مقاله‌نویسی - تولید مقاله و نه تولید علم - از 20 سال اخیر رشد کمی بسیار قابل توجهی پیدا کرده، و سرعت رشد تعداد مقالات ایرانی چند برابر سرعت رشد تعداد مقالات در جهان بوده است. این رشد کمی - که در جای خود می‌توانست مبارک و پرخیر باشد - نتیجه‌ای از نظام ارزش‌گذاری و ارزیابی افراد و دانشگاه‌ها بوده که کاملاً مبتنی بر آمار و کمیت تولید مقاله تنظیم شده‌اند. البته آمار همان منابع موثق حاکی از این است که توجه به مقالات علمی ما از متوسط جهانی به طرز معناداری پایین‌تر است. این آمار البته با شواهد متنوع از جمله شهود روزمره در جامعه دانشگاهی ما نیز همخوانی دارد و بدان معناست که سهم ما در تولید علم جهانی بسیار کمتر از درصد چاپ مقالاتمان در دنیا است؛ گرچه استثناً وجود دارد، مقالات ما عمدتاً به منظور تثبیت یا ارتقا و وضعیت شغلی نویسندگان یا به علت مواهب مادی مترتب بر انتشار مقالات نگاشته می‌شوند و هیچ بار علمی به نویسندگان، خوانندگان احتمالی و یا جامعه علمی کشور یا دنیا اضافه نمی‌کنند. ضمناً این وضعیت نامطلوب در چرخه‌ای نادرست از آیین‌نامه‌های نظام ارزیابی دانشگاهیان و واکنش آنها به این آیین‌نامه‌ها تشدید می‌شود. همچنین این چرخه معیوب داخلی با وجود مجلات علمی داخلی یا خارجی بعضاً بی‌محتوا، و بدون نظارت جدی علمی و داوری بسیار سطحی مقالات، تکمیل شده است؛ ما مانده‌ایم و خیل عظیمی از مقالات بی‌محتوا که در مجلات به اصطلاح ISI یا ISC به چاپ رسیده‌اند.

چاپ مقالات کم محتوا که صرفاً به منظور برخورداری از امتیازات مادی دیده شده در آیین‌نامه‌های مربوط نوشته می‌شوند، علاوه بر هدر دادن امکانات و استعدادهای کشور خطری بسیار جدی‌تر و بلندمدت نیز در پی دارد: آن فرهنگ نوپای پژوهش دانشگاهی ما را از هدف اصلی خود، که همان تولید علم است، چنان دور و بیگانه می‌کند که اصلاح آن حتی در صورت ترمیم آیین‌نامه‌ها و روال‌ها مدت‌های مدید زمان خواهد برد و نیازمند تربیت صحیح نسل جدید است. البته این مهم نیز در فضای موجود و با گسترش کمی و بی‌ضابطه و بی‌مطالعه دوره‌های دکتری عملاً ممکن نیست. در حدود پنج سال اخیر امکانات محدود موجود در دانشگاه‌ها (از نظر تعداد استاد و بودجه و سایر زیرساخت‌ها) با هجوم ورودی‌های دکتری وضع رقت‌انگیزی پیدا کرده و امید کمی هست که خروجی‌های آن - که اساتید جوان دانشگاه‌ها خواهند شد - بتوانند در اصلاح فرهنگ موجود مقاله‌نویسی و بازگشت به معنای اصلی آن، که همان تولید علم است، نقش مثبتی ایفا کنند.

اصلاح وضعیت مخدوش فعلی پژوهش کشور در گرو فهم و عزم جدی و سیاست‌گذاران علمی کشور و همچنین همکاری دانشگاهیان است که حتی در صورت وجود این عزم و اراده، کاری خطیر و زمان‌بر خواهد بود. امید است که مسئولان عالی‌رتبه ذیربط بیش از این به آمارهای صرفاً کمی اتکا نکنند و با درک بحران مقاله‌نویسی اقدام جدی و ریشه‌ای در این زمینه نمایند.

نویسندگان:

دکتر مهدی گلشنی-استاد دانشگاه صنعتی شریف؛

دکتر محمدمهدی شیخ جباری-استاد پژوهشگاه دانشهای بنیادی